

لوازم و نتایج بندگی با نگاهی به سیره و سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله

سید محمدرضا علوی نژاد^۱

چکیده

خداوند، هستی را برای انسان و انسان را برای بندگی آفریده و راه رسیدن به خود را برای او گشوده است. عبادت، تنها راه رسیدن به خداوند است. عابد، با عبادت به معبود نزدیک شده و کامل می‌شود. خداوند، مقصود، کمال و مقصد عبد است. اگر عبد مقصودی غیر از خدا داشته باشد، به مقصد نمی‌رسد. اگر انسان راه و رسم بندگی را نداند، قدم‌هایش در مسیر بندگی می‌لرزد. رسول خدا صلی الله علیه و آله، تکیه‌گاه هستی در طریق بندگی است؛ با تأمل در زندگی ایشان دفتر بندگی به روی انسان گشوده می‌شود. بندگی، لوازم و نتایجی دارد. با مشخص شدن لوازم، بندگی آسان‌تر و با روشن شدن نتایج، انگیزه برای بندگی بیشتر می‌شود. این نوشتار، در پی ارائه تحلیلی از لوازم و نتایج بندگی با تکیه به حیات مادی و معنوی اشرف مخلوقات است. لوازم و نتایج به صورت ترتیبی و پیوسته در پی هم آمده تا مراحل و نظام بندگی روشن شود. گویا نخستین بار است که چنین چینی‌اشی ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی

عبادت، خودسازی، سیر الی الله، الگوی نبوی، سیره نبوی، معارف قرآن و حدیث

درآمد

همه ساکنان آسمان و زمین در حال عبادت خداوند هستند^۲ و همگان خواسته یا ناخواسته تسلیم خداوند^۳ و در حال حرکت در مسیر اراده اویند. خداوند، هستی را برای انسان^۴ و انسان را برای عبادت و بندگی آفرید و فرمود:

۱. پژوهشگر مرکز تخصصی حدیث حوزه علمیه قم، (smran۳۱۳@yahoo.com)

۲. ن. ک: حشر، ۲۴.

۳. ن. ک: آل عمران، ۸۳.

۴. ن. ک: الجواهر السنیه، ص ۷۰۱.

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ. مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونِ. إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينِ.^۵

من جنّ و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا عبادت کنند. هرگز از آنها روزی نمی‌خواهم و نمی‌خواهم مرا اطعام کنند. خداوند، روزی‌دهنده و تواناست.

انسان برای عبادت آفریده شده اما در فراز و نشیب دنیا در اثر پرداختن بسیار به فروع، از اصول غافل می‌شود. اگر انسان، لوازم و نتایج بندگی را بداند، انگیزه او برای عبادت، بیشتر شده و برای رسیدن به خداوند، بیشتر تلاش می‌کند.

این نوشتار در پی ارائه‌ی طرحی مختصر از لوازم و نتایج بندگی با تکیه به سیره و سخن بزرگ‌ترین فرستاده‌ی خداست تا با افزایش آگاهی، انگیزه برای بندگی افزایش یابد و تلاش‌ها زودتر به نتیجه رسد.

در موضوع بندگی، کتاب‌ها و مقالات فراوانی نگاشته شده؛ اما نگارنده به متنی که با تکیه به سیره و سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله به لوازم و نتایج بندگی با رعایت ترتیب مباحث پرداخته باشد، دست نیافت.

مقالات «عبودیت و خودسازی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله» از محمد حسین توسلی، «عرفان و عبادت در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله» از محمد رضا جباری و «عرفان خردگرا در سیره نبوی» از محمد جواد رودگر، نگاشته‌هایی است که در موضوع عبادت، با تکیه به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله نوشته شده و نمونه‌های خوبی از حیات معنوی ایشان را ارائه کرده است. در این اثر، نگارنده به بیان نظام‌مند لوازم و نتایج بندگی با تکیه به سیره و سخن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌پردازد.

در این نگاشته، تلاش شده تا روش و حرکت آسان در راه بندگی، معرفی شده و با بیان نتایج، برای مخاطب، انگیزه بیشتری ایجاد شود. در بخش لوازم، به سخن و در بخش نتایج، به سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تکیه شده است.

برای نگارش این مقاله از نرم‌افزارهای جامع الاحادیث، جامع التفاسیر، نور السیره، جامع فقه اهل بیت علیهم السلام و مکتبه اهل بیت علیهم السلام استفاده و حدود هزار فیش تهیه شده است.

الف) لوازم بندگی

پیش از آغاز سخن، بهتر است واژهٔ عبادت و برخی از مشتقات آن تبیین شود تا تعیین مصادیق آن آسان گردد.

ابن فارس می‌گوید:

مادهٔ «عبد» بر دو معنای متضاد دلالت می‌کند؛ یکی «خَفَّت» و «ذَلَّت» و دیگری «شَدَّت» و «غَلَطت».^۶

خلیل نیز همین دو معنا را برای آن ذکر نموده و می‌گوید:

«عبد» به کسی می‌گویند که خدا را عبادت کند.^۷

جوهری، «عبادت» را در معنای «اطاعت» به کار برده است.^۸ ابن منظور نیز «عبادت» را به معنای «اطاعت» دانسته و می‌گوید:

«عابد» کسی است که تنها خدا را عبادت کند و مراد از «عبودیت»، «خضوع» و «تذلل» است.

او به نقل از زجاج می‌گوید:

«عبادت» در لغت به معنای اطاعت به همراه خضوع است.

و در ادامه به نقل از ابن الانباری می‌گوید:

«عابد» کسی است که در برابر معبود، خاضع بوده و تسلیم امر او باشد.^۹

زیبیدی «عبادت» را همان «اطاعت» می‌داند. او می‌گوید:

بعضی از بزرگان اشتقاق گفته‌اند: «عبودیت» به معنای «ذَلَّت» و

«خضوع» است و بعضی دیگر گفته‌اند: «عبودیت» یعنی رضایت به آن چه

خداوند انجام می‌دهد و «عبادت» یعنی انجام آن چه مورد رضای رب است

و در ادامه، احتمال نخست را قوی‌تر می‌شمارد.^{۱۰}

۶. معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۲۰۵.

۷. العين، ج ۲، ص ۴۸.

۸. الصحاح، ج ۲، ص ۵۰۲.

۹. لسان العرب، ج ۳، ص ۲۷۰.

۱۰. تاج العروس، ج ۵، ص ۸۲.

با توجه به این سخنان، عبادت و بندگی یعنی خضوع و خشوع در برابر خداوند و اطاعت از او و انجام آنچه باعث رضای اوست. عبادت یعنی فرمان برداری و فروتنی^{۱۱} و هر رفتار درستی که با هدف بندگی، انجام گیرد، عبادت است.

عبادت یک حرکت درونی است که گاهی انجام آن نیازمند رفتار بیرونی است. هر حرکتی لوازمی دارد که رعایت آن انسان را آسان تر و زودتر به مقصود می‌رساند. هرچه راه دشوارتر باشد به لوازم بیشتری نیاز دارد. بندگی و سیر الی الله، طولانی‌ترین راه هستی است. بی‌توجهی به لوازم بندگی، عبد را بازداشته یا باز می‌گرداند. با نگاهی کلی به زندگی پربار رسول خدا صلی الله علیه و آله و بررسی رفتار و گفتار ایشان، روشن می‌شود که خداشناسی، مسیریابی، برنامه‌ریزی، پیدا کردن نقطه آغاز، حرکت و استقامت از لوازم بندگی است که در این بخش بررسی می‌شود.

۱. خداشناسی

اشرف معارف، خداشناسی است.^{۱۲} کسی می‌تواند خدا را عبادت کند که او را شناخته باشد.^{۱۳} هر چه شناخت عابد از معبود بیشتر شود، انگیزه و توان او برای عبادت و بندگی بیشتر می‌گردد. رسول خدا صلی الله علیه و آله، فرمود:

نخستین گام در عبادت، شناخت معبود است. این که بدانی چیزی پیش از او نبوده و کسی همراه او نیست؛ همیشگی و بی‌پایان است؛ آفریننده آسمان‌ها و زمین است؛ از همه چیز خبر دارد و بر همه چیز تواناست.^{۱۴}

انسان با شناخت خدا، گوشه‌ای از محبت و بزرگی معبود را درک کرده و تمایلش به ارتباط با او افزایش می‌یابد. اگر انسان، درک درستی از خداوند نداشته باشد، عبادت او، بی‌نتیجه یا کم‌نتیجه می‌شود.^{۱۵} اگر شناخت انسان نسبت به خدا افزایش یابد، خشنودی او برای انسان اهمیت یافته و بندگی، آسان می‌گردد. انسان، برای شناخت خداوند، باید خود و راهنمای خود را بشناسد.

۱۱. المصباح المنیر، ج ۲، ص ۳۸۹.

۱۲. ن. ک: التوحید، ص ۲۸۵.

۱۳. ن. ک: تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۱۶.

۱۴. الامالی للطوسی، ص ۵۲۶.

۱۵. ن. ک: الکافی، ج ۱، ص ۲۸.

۱/۱. خودشناسی

خودشناسی مقدمه خدانشناسی است. انسان، تنها از عمق وجود خود می‌تواند به خداوند دست یابد.^{۱۶}
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ.^{۱۷}

کسی که خود را بشناسد خدا را شناخته است.

کسی که به کنه وجود خود دست یابد، خدا را یافته است. هر که خود را بیشتر بشناسد، خدا را بیشتر شناخته است.^{۱۸} اگر انسان، خود را نشناسد نمی‌تواند خدا را بشناسد.^{۱۹}
کسی که می‌خواهد خود را بشناسد، باید جایگاهش را در نظام آفرینش بیابد؛ این که از کجا آمده، در کجا قرار دارد، به کجا می‌رود^{۲۰} و چه ارزشی بر وجود او مترتب بوده و برای چه آمده است. انسان با خودشناسی به فقر وجودی خویش آگاه شده و گرایش او به بندگی افزایش می‌یابد.
تفکر و تطهیر نفس از لوازم خودشناسی است. تفکر، لایه‌های پنهان وجود را نمایان کرده و ترک گناه با از بین بردن تاریکی‌های درون، موانع خودشناسی را از میان برمی‌دارد.

۲/۱. امام‌شناسی

امام، انسان کامل و نزدیک‌ترین انسان به خداوند بوده و دارای عمیق‌ترین درک نسبت به اوست.^{۲۱}
هر چه انسان به امام نزدیک‌تر شود، به خدا نزدیک‌تر خواهد شد. اگر انسان، امام را نشناسد قادر به شناخت خدا نیست و نمی‌تواند در مسیر بندگی گام بردارد.
امام‌شناسی مقدمه خدانشناسی است.^{۲۲} پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

لَا يُعْرِفُ اللَّهَ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِكُمْ.^{۲۳}

خدا را نمی‌شود شناخت مگر از طریق شناخت شما؛ یعنی ائمه علیهم السلام.

۱۶. ن. کذ مشارق انوار الیقین، ص ۲۹۹.

۱۷. مصباح الشریعه، ص ۱۳.

۱۸. ن. کذ روضة الواعظین، ج ۱، ص ۲۰.

۱۹. ن. کذ عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۲۹.

۲۰. ن. کذ الوافی، ج ۱، ص ۱۱۶.

۲۱. ن. کذ بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۶۳.

۲۲. ن. کذ علل الشرائع، ج ۱، ص ۹.

۲۳. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۴۹۷.

انسان در تمام شئون زندگی و بندگی، محتاج امام است. اگر انسان از امام فاصله بگیرد، هیچ نتیجه‌ای بر بندگی او مترتب نیست؛^{۲۴} راه را گم کرده، خود را به تباهی می‌اندازد. عابد باید معبود را بشناسد. انسان، زمانی می‌تواند خدا را عبادت کند که خدا را بشناسد. خودشناسی، امام‌شناسی و خداشناسی، مباحثی درهم تنیده است.

۲. یافتن مسیر بندگی

ارزش انسان به هدفی است که دنبال می‌کند. هر چه هدف بلندتر باشد ارزش کارها بیشتر می‌شود.^{۲۵} اگر انسان، بلندترین هدف هستی را دنبال کرده، ولی راه رسیدن به آن را نداند به جایی نخواهد رسید. کسی که در انتخاب مسیر، اشتباه نموده، هرچه بیشتر تلاش کند، از هدف دورتر می‌شود.^{۲۶} انسان برای بندگی باید مسیر حرکت به سوی خداوند را بیابد. هرچه شناخت انسان از خدا بیشتر شود، تلاش او برای یافتن مسیر بندگی، بیشتر خواهد شد. خداوند راه رسیدن به خود را برای تلاش‌گران گشوده و فرموده:

الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا.^{۲۷}

هر که برای رسیدن به خدا تلاش کند، خداوند راه رسیدن به خود را برای او آشکار می‌نماید.

اگر کسی تلاش کند مسیر را می‌یابد و اگر نیافت، تلاش نکرده یا کوتاهی کرده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله، چهل سال تلاش نمودند^{۲۸} و با یافتن مسیر بندگی به بالاترین مراتب هستی رسیدند^{۲۹} و راه بندگی را برای خود و دیگران هموار کردند. خداوند به وسیله پیامبر، مسیر بندگی را به بندگان آموخت. دین، تعیین‌کننده مسیر بندگی است. هر چه شناخت انسان از دین بهتر باشد، کامیابی او در بندگی بیشتر است. گناه، عقل را زائل و انسان را در مسیریابی دچار اشتباه می‌کند؛ او را به توقف یا حرکت در تاریکی واداشته و به گمراهی می‌کشاند. عابد، بعد از شناخت معبود، باید مسیر بندگی را بیابد.

۲۴. ن. ک: تفسیر فرات، ص ۵۳۴؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۹-۶۱۷.

۲۵. ن. ک: الامالی للمفید، ص ۶۶.

۲۶. ن. ک: المحاسن، ج ۱، ص ۱۹۸.

۲۷. عنکبوت، ۶۹.

۲۸. ن. ک: تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۱۲۰.

۲۹. ن. ک: نجم، ۸.

۳. برنامه ریزی برای بندگی و یافتن نقطه آغاز

برنامه ریزی از لوازم نتیجه گیری است. حرکت بدون برنامه با ایستایی، تفاوت زیادی ندارد. بی برنامه گی، مسیر کوتاه را بلند و زمان بلند را کوتاه و اهداف نزدیک را دور می نماید. اگر کسی بدون برنامه، حرکت کند، زحماتش تباه شده و هرچه بیشتر تلاش نماید، کمتر نتیجه می گیرد. بندگی، برترین و دشوارترین مسیر هستی است. مسیر دشوار را تنها با برنامه دقیق می توان پیمود.

تعیین زمان، مکان و شکل برای بسیاری از عبادات، نشانگر نظام مند بودن حرکت دینی در نگاه رسول خداست. ایشان برای بسیاری از عبادات مانند نماز، روزه، حج و زکات، زمان و شکل و برای حج، مکان و برای نماز، مکان ترجیحی، بیان نمودند.^{۳۰} این سنخ از تعاملات، حاکی از جایگاه برنامه ریزی در مسیر بندگی است و این که رشد، بدون برنامه ممکن نیست.

امیر مؤمنان علیه السلام درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

كَانَ إِذَا أَوَى إِلَى مَنزِلِهِ، جَزَأَ دُخُولَهُ ثَلَاثَةَ أَجْزَاءٍ؛ جُزْءًا لِنَفْسِهِ عَزَّ وَجَلَّ
وَ جُزْءًا لِأَهْلِهِ وَ جُزْءًا لِنَفْسِهِ ثُمَّ جَزَأَ جُزْءَهُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ.^{۳۱}

هنگامی که به خانه می رفت، وقت خود را سه بخش می کرد؛ یک بخش برای خدای عز و جل، یک بخش برای خانواده و یک بخش برای خود. سپس بخش خود را بین خود و مردم تقسیم می کرد.

گستره نتایجی که بر زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله مترتب شده، حاکی از برنامه دقیق ایشان برای زندگی و بندگی است. برنامه باید با توان سنخیت داشته باشد. برنامه سنگین، باعث خستگی و برنامه سبک سبب ماندگی است.

کسی که نقطه آغاز را بیابد، بخش قابل توجهی از راه را پیموده است. انسان هرچه زودتر آغاز کند، زودتر به هدف می رسد. به فرمایش امام علی علیه السلام، هر که بخواهد می تواند.^{۳۲}

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، فهم و اقرار الوهیت و یگانگی خدا و التزام عملی به آن را، نقطه آغازین بندگی معرفی کردند و فرمودند:

۳۰. ن. کده تہذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۴۱.

۳۱. مکارم الاخلاق، ص ۱۳.

۳۲. ن. کده نهج البلاغه، ص ۵۴۴.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، تَفْلِحُوا. ۳۳

یعنی ای مردم، بگوئید: لا اله الا الله تا رستگار شوید.

انجام واجبات و ترک محرمات، التزام عملی به کلمه توحید^{۳۴} بهترین نقطه برای آغاز بندگی است. گناه نقطه شروع را تاریک کرده و حرکت را به تأخیر می‌اندازد. شیطان، تلاش می‌کند تا آغاز کار نیک را تلخ و سخت کند. انسان، با هر گذشته‌ای، می‌تواند آینده خوبی داشته باشد.^{۳۵} رسول خدا صلی الله علیه و آله تاریک‌ترین افراد را به آغاز این مسیر، تشویق کردند.^{۳۶} انسان پس از برنامه‌ریزی، نیازمند دانستن نقطه آغاز بندگی است. اگر او نقطه خوبی را برای آغاز برنگزیند، متوقف شده، نمی‌رسد یا دیر می‌رسد.

۴. حرکت در راه بندگی

کسی با ایستایی به هدف نمی‌رسد. نشانه و محصول حرکت، تغییر است؛ تغییر در گفتار، رفتار، اندیشه و نوع نگاه به زندگی. بیشتر تلاش انسان‌ها صرف مقدمات حرکت می‌شود و بسیاری از مردم وقتشان به پایان می‌رسد بدون اینکه حرکتی کرده باشند.^{۳۷} علم، یکی از مقدمات حرکت است. بخشی از زمان باید صرف علم و بخشی از آن صرف عمل شود. برخی، تمام عمر را مشغول آموختن هستند و دانش‌آموزی، فرصت عمل به دانش و حرکت را از آن‌ها گرفته، در حالی که ارزش علم به عمل است. علم اگر تبدیل به عمل نشود، حرکت نیست؛ بلکه ایستایی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

إِنَّ الْعَالِمَ مَنْ يَعْمَلُ بِالْعِلْمِ. ۳۸

عالم واقعی، کسی است که به علمش عمل کند.

اگر عالم به علم خود عمل نکند، گمراه شده و جامعه را به گمراهی می‌کشاند.^{۳۹} عمل، مقوم ایمان است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«ایمان یعنی انسان با قلب، خدا را بشناسد، با زبان به الوهیت او اقرار کند و با تمام توان به دستورات او عمل نماید.»^{۴۰}

۳۳. الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۱۶۸.

۳۴. ن. ک: الکافی، ج ۳، ص ۸۵؛ تحف العقول، ص ۴۲۲.

۳۵. ن. ک: زمر، ۵۳.

۳۶. ن. ک: جامع الاخبار، ص ۸۸.

۳۷. ن. ک: هود، ۱۷.

۳۸. اعلام الدین، ص ۴۲۶.

۳۹. ن. ک: کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۷۱۸.

۴۰. الجعفریات، ص ۲۳۰.

بندگی با پذیرش الوهیت و حرکت در مسیر اراده خداوند آغاز شده، با عمل به دستورات او ادامه یافته و به سوی اطاعت کامل از خداوند^{۴۱} در همه ابعاد زندگی پیش رفته و به ملاقات با خدا و کمال می انجامد. سالک در آغاز می تواند با گروهی از کسان اهل اندیشه و عمل همراه شود تا در صورت کاهش انگیزه و یا غفلت از توان آنها برای ادامه مسیر بهره ببرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم را به حرکت جمعی دعوت و از فردگرایی و گوشه گیری نهی و فاعل آن را لعن کردند.^{۴۲} ایشان فرمودند:

يَاكُمْ وَالشُّعَابَ وَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ وَالْعَامَّةِ.^{۴۳}

از گوشه گیری بپرهیزید و با جامعه همراه شوید.

گوشه گیری، از آگاهی ها، توانمندی ها و آثار وجودی انسان کاسته و انسجام اجتماع را از بین می برد. این رفتار انسان را در ابعاد فردی و اجتماعی آسیب پذیر نموده و به ایستایی می کشاند. پیمودن راه در آغاز همراه با سختی و تلخ کامی است؛ اما به تدریج، توان انسان افزایش یافته و با ظهور نتایج، کام انسان شیرین و رهروی آسان می شود. انسان پس از یافتن نقطه آغازین، باید در مسیر بندگی به حرکت درآید. بسیاری خود را متحرک می دانند در حالی که ایستایند. رهرو کسی است که حرکت او همراه با نتیجه باشد.

۵. پایداری در بندگی

اگر سالک پیوسته و در یک جهت حرکت کند، به هدف نزدیک می شود. برخی همواره در حال تغییر مسیر هستند. گسستگی در حرکت، تلاش انسان را تباه کرده و از بزرگ ترین موانع رشد است. خدای متعال، پایداری را شرط نتیجه گیری قرار داده و می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ.^{۴۴}

کسانی که به خدا ایمان آوردند و استقامت کردند، رحمت خداوند بر آنها نازل می شود.

رمز موفقیت پیامبر صلی الله علیه و آله، ایمان به خداوند و استقامت در بندگی بود. ایشان در راه خدا چنان خود را به سختی می انداخت که وحی آمد:

۴۱. ن. ک: غرر الحکم، ص ۴۶۹.

۴۲. ن. ک: الاصول الستة عشر، ص ۱۴۴.

۴۳. المجازات النبویه، ص ۳۱۴.

۴۴. فصلت، ۳۰.

ای پیامبر، ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به مشقت اندازی.^{۴۵}
رسول اکرم صلی الله علیه و آله مردم را به پایداری در بندگی دعوت و از تباه کردن اعمالشان نهی می کردند.^{۴۶} ایشان فرمودند:

مداومت در انجام اعمال، حتی اگر عمل، کم باشد، مایه رضایت خدا و اصلاح عاقبت است.^{۴۷}

گناه، رونده راه را از حرکت بازداشته و او را دل بسته مادیات می کند. معصیت خداوند پایداری انسان را کاهش داده و اراده او را سست می گرداند.
بندگی، بدون شناخت معبود ممکن نیست. پس از شناخت، باید مسیر را یافت و با برنامه‌ای جامع از نقطه آغازین بندگی، حرکت را شروع کرد. پایداری در بندگی، نتایج آن را آشکار می کند و سستی، موجب تباه شدن زحمات‌ها می گردد.

ب: نتایج بندگی

نتایج بندگی، مترتب بر حرکت در مسیر اراده خداوند می باشد. او تضمین کننده نتایج بندگی است.^{۴۸} بعضی از این نتایج، محسوس و برخی به دلایلی، نامحسوس است. بی نتیجه بودن، نشان گر حرکت اشتباه و یا ایستایی است. نتایج و آثار بندگی، قابل شمارش نیست؛ اما کلیاتی از آن، قابل ذکر است. از بین رفتن وابستگی‌ها، طهارت وجودی، نزدیک شدن به خداوند، افزایش دریافت‌ها، شکوفایی و آمادگی برای اصلاح جامعه، برخی از این نتایج است.

۱. از بین رفتن وابستگی‌ها

بزرگترین مانع حرکت به سوی خدا، وابستگی به دنیاست. پیامبر صلی الله علیه و آله، وابستگی به دنیا را منشأ همه خطاها می دانند.^{۴۹} گستردگی چشم فریب دنیا، چشمان دنیابین را مسحور خود کرده و دنیا را در نظر گروهی، بزرگ نموده است. انسان با حرکت در مسیر بندگی، گوشه‌ای از بزرگی خداوند را درک می کند و غیر خدا در نظرش حقیر گشته^{۵۰} و از آن جدا می شود.

۴۵. طه، ۱ - ۲.

۴۶. ن. کة الامالی للصدوق، ص ۶۰۷.

۴۷. الکافی، ج ۱۵، ص ۲۳.

۴۸. ن. کة فصلت، ۳۰.

۴۹. ن. کة مصباح الشریعه، ص ۱۳۸.

۵۰. ن. کة التمهیص، ص ۷۱.

از بین رفتن وابستگی‌ها انسان را به کوهی استوار تبدیل می‌نماید که هر تندبادی را درهم می‌شکند.^{۵۱} هیچ چیزی نمی‌تواند انسان آزاد را از حرکت باز دارد. مشرکان در رویارویی با رسول خدا درمانده شده بودند. نه تهدید، آن حضرت را متوقف می‌کرد و نه تطمیع. پیامبر در پاسخ به مشرکان فرمود:

لَوْ وَصَعُوا الشَّمْسَ فِي يَمِينِي وَ الْقَمَرَ فِي يَسَارِي مَا أَرَدْتُهٗ.^{۵۲}

اگر خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم قرار دهند، آن را نمی‌خواهم و از دعوت خویش دست برنمی‌دارم.

عبادت، وابستگی انسان به غیر خدا را از بین می‌برد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله به هیچ چیز غیر از خدا وابسته نبود. هر چه وابستگی انسان به غیر خدا کمتر شود به خدا نزدیکتر می‌گردد.

۲. طهارت و جودی

وابستگی‌های مادی، انسان را در کام گناه فرو می‌برد. مداومت بر بندگی، وابستگی انسان به غیر خدا را کاهش می‌دهد. با از بین رفتن وابستگی‌ها، تمایل انسان به گناه از بین رفته و ترک گناه، آسان می‌گردد. قرآن کریم می‌فرماید:

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ.^{۵۳}

خداوند سرپرست مؤمنان است و آنها را از تاریکی‌ها به سوی نور می‌برد. ایمان به خدا و حرکت در راه بندگی، انسان را تحت ولایت خداوند قرار داده، به سوی نور و طهارت و جودی پیش می‌برد. رسول خدا و اهل بیت آن حضرت علیهم السلام با ایمان به خدا و پایداری در بندگی به بالاترین درجه انقطاع رسیدند و خداوند، ایشان را از هر پلیدی دور نموده و به بالاترین درجه از پاکی رساند و فرمود:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا.^{۵۴}

خداوند اراده کرده، شما را از هر پلیدی دور نماید و به بالاترین درجه از پاکی برساند.

۵۱. ن. ک: الکافی، ج ۳، ص ۶۱۱.

۵۲. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۲۸.

۵۳. بقره، ۲۵۷.

۵۴. احزاب، ۳۳.

۳. نزدیک شدن به خداوند

خداوند، عالم را هدفمند آفریده^{۵۵} و تمام موجودات در تحقق این هدف، نقش دارند اما نقش همگان یکسان نیست. انسان پررنگ‌ترین موجود هستی است. خداوند کائنات را برای انسان و انسان را برای خود آفریده؛^{۵۶} از این رو انسان بیش از همه موجودات می‌تواند به خداوند نزدیک شود. پروردگار جهان، راه رسیدن به خود را برای همگان گشوده است. قرآن کریم می‌فرماید:

مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ
أَحَدًا.^{۵۷}

یعنی هر که می‌خواهد پروردگارش را ملاقات کند، باید عمل صالح انجام دهد و در عبادت، هیچ کس را با او شریک ننماید.

پیامبر صلی الله علیه و آله، با مداومت بر بندگی و رسیدن به مقام توحید، آماده ملاقات با خدا شد و به بالاترین جایگاه دست یافت که قرآن کریم می‌فرماید:

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى، فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى.^{۵۸}

سپس نزدیک و نزدیکتر شد تا به اندازه دو کمان یا نزدیکتر.

عبادت از فاصله انسان با خداوند کاسته و انسان را به او نزدیک می‌کند.

۴. افزایش دریافت‌ها

همه اشیا عالم، پیام برای هدایت به سوی خدا دارند.^{۵۹} حضور غیر خدا در قلب، مانع دریافت پیام‌های اوست. عبادت، غیر خدا را از قلب زدوده و باعث افزایش دریافت‌ها می‌گردد. هر چه دریافت‌ها بیشتر باشد، آثار وجودی و زمینه رشد بیشتر است.

انسان هر چه به خدا نزدیک‌تر شود ظرفش، بزرگ‌تر و دریافت‌هایش، بیشتر می‌شود.^{۶۰} رسول خدا صلی الله علیه و آله، با عبور از تمام مراتب هستی و نزدیک‌شدن به خدا بالاترین ظرف وجودی را فراهم کرده و قرآن، بالاترین معرفت ممکن^{۶۱} را دریافت کرد.^{۶۲}

۵۵. ن. کذ انبیاء، ۱۶.

۵۶. ن. کذ مشارق انوار البقین، ص ۲۸۳.

۵۷. کهف، ۱۱۰.

۵۸. نجم، ۸.

۵۹. ن. کذ الامالی للصدوق، ص ۵۰۹.

۶۰. ن. کذ رعد، ۱۷.

۶۱. ن. کذ التفسیر المنسوب الی الامام العسکری علیه السلام، ص ۱۳؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳.

۶۲. ن. کذ صحیفة الامام الرضا علیه السلام، ص ۵۹؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۵.

گسترش بندگی در تمام ابعاد زندگی، انسان را در معرض بارش رحمت قرار می‌دهد. هیچ‌یک از لحظه‌های زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله خالی از بندگی نبود؛ لذا دریافت‌های ایشان قابل شمارش نیست. امام صادق علیه السلام در تبیین جایگاه و گستره دریافت‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مَا أَعْطَى اللَّهُ نَبِيًّا شَيْئًا إِلَّا وَقَدْ أَعْطَاهُ مُحَمَّدًا.^{۶۳}

خداوند به هیچ‌یک از پیامبران چیزی نداده، مگر این‌که آن را به محمد صلی الله علیه و آله نیز عطا نمود.

خود پیامبر، گوشه‌ای از دریافت‌های اختصاصی خویش را این گونه بیان می‌کنند:

أُعْطِيتُ خَمْسًا لَمْ يُعْطَهَا أَحَدٌ قَبْلِي؛ جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهُورًا وَ أُحِلَّ لِي الْمَغْنَمُ وَ نُصِرْتُ بِالرُّعْبِ وَ أُعْطِيتُ جَوَامِعَ الْكَلَامِ وَ أُعْطِيتُ الشَّفَاعَةَ.^{۶۴}

خداوند پنج چیز را به من عطا کرده که به کسی قبل از من، نداده است؛ زمین را برایم سجده‌گاه و مایه طهارت قرار داده؛ استفاده از غنیمت را برای من حلال نموده؛ مرا با رعب، یاری کرده؛ قدرت گفتن سخنان جامع و پر محتوا و توان شفاعت به من عطا نموده است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله با رسیدن به بالاترین مراتب بندگی و نزدیک شدن به خداوند، بیشترین میزان دریافت‌ها را داشت.

۵. شکوفایی همه ابعاد وجودی

انسان حرکت خود را از کرانه‌های نیستی آغاز نموده^{۶۵} و خداوند توانایی رسیدن به بالاترین مراتب هستی را در وجودش نهاده است. آدمی در عالم حجاب رها شده تا با پرده‌برداری از حقایق، فاصله خود را با نور، کم کند و وجودش را بارور نماید.^{۶۶}

۶۳. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۳۸۲.

۶۴. الامالی للصدوق، ص ۲۱۶.

۶۵. ن. کتبه مریم، ۶۷.

۶۶. ن. کتبه بقره، ۱۸۶.

انسان، دو گونه تولّد دارد؛ تولّد مادی و تولّد معنوی.^{۶۷} تولّد مادی، زمان ورود به عالم ماده و تولّد معنوی زمان ورود به عالم معناست. انسان با پایداری در بندگی و رشد معنویت، از قیود مادی رهیده، آماده ورود به عالم معنا شده و در معرض تولّدی دوباره قرار می‌گیرد.

نوع تعاملات رسول خدا صلی الله علیه و آله با خالق و مخلوق، دوستان و دشمنان، در اوج ضعف و قدرت ظاهری، در شادی و غم و در لحظه‌لحظه زندگی، نشان‌گر گستره‌توانایی‌های وجودی و اوج شکوفایی ایشان است.

پیامبر به قدری به گفتگو با خداوند می‌ایستادند که پاهایشان متورّم می‌شد.^{۶۸} نه ضعف، آن حضرت را منفعل کرده و به عقب می‌راند و نه قدرت، باعث تجاوز ایشان از حدود الهی می‌شد. آن حضرت، در اوج ضعف، دست از دعوت، بر نداشتند^{۶۹} و در اوج قدرت، اهل مکّه را که عامل بیرون‌راندنشان از شهر و در اوج دشمنی بودند، بخشیدند. پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله به آن‌ها که خود را برای مرگی سخت آماده کرده بودند، با آرامش فرمود:

إِذْهَبُوا، فَانْتُمُ الطُّلُقَاءُ.^{۷۰}

همه شما آزادید و می‌توانید بروید.

عظمت اخلاقی پیامبر، ستایش خداوند را در پی داشت و فرمود:

إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقِي عَظِيمٍ.^{۷۱}

تو اخلاقی بسیار شایسته داری.

رسول خدا، خوش‌سخن و گشاده‌رو بود. با فروتنی، به همگان سلام می‌کرد. گفتارش سنجیده و کامل بود. هیچ‌کس را از خود ناامید نمی‌کرد. اگر کسی از آن حضرت چیزی طلب می‌کرد، یا به خواسته‌اش می‌رسید و یا کلامی خوش از ایشان دریافت می‌نمود. سخت‌گیر نبود و هرگز به خاطر امور دنیوی خشم‌گین نمی‌شد، ولی وقتی پای حق در میان بود، چیزی در مقابل خشم ایشان تاب مقاومت نداشت تا این‌که حق را پیروز گرداند.^{۷۲}

۶۷. ن. کذ شرح اصول الکافی، ج ۱، ص ۴۱۷.

۶۸. ن. کذ مصباح الشریعه، ص ۱۷۰.

۶۹. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۲۸.

۷۰. تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۶۱.

۷۱. قلم، ۴.

۷۲. ن. کذ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۱۶ - ۳۱۹.

انسان با عبادت، به بلوغ در انسانیت رسیده و کامل می‌شود. کامل شدن، فایده سلوک است نه غرض سالک. هدف سالک چیزی غیر از خداوند نیست. اگر کسی در جستجوی چیزی غیر از خداوند باشد، به کمال نمی‌رسد. انسان در سایه بندگی، شکوفا می‌شود و با تداوم بندگی به اوج می‌رسد.

۶. آمادگی برای اصلاح جامعه

اصلاح جامعه، هدف خداوند از بعثت انبیاست. مصلح جامعه، پیامبران و حجج الهی‌اند.^{۷۳} اصلاح جامعه، انعکاس تغییری است که در اثر بندگی در وجود مصلح ایجاد شده و اکنون، دامنه‌اش به دیگران رسیده است. تغییری که در عصر جاهلیت رخ داد، انعکاس حرکت درونی رسول خدا صلی الله علیه و آله، به سوی خدا بود. آن حضرت، با حرکت خود، جامعه را به حرکت درآورد.

اصلاحات بیرونی باید ریشه در اصلاحات درونی داشته باشد وگرنه به نتیجه نخواهد رسید. کسی که خود را اصلاح نکرده، نمی‌تواند دیگران را اصلاح کند.^{۷۴} اگر کسی پیش از اصلاح نفس به اصلاح جامعه بپردازد، از خود بازمی‌ماند، خود را فاسد کرده و جامعه را به تباهی می‌کشاند.

مداومت بر بندگی، آثار وجودی را افزایش داده و انسان را آماده پذیرش نقش‌های پررنگ در نظام آفرینش می‌کند. پیامبر صلی الله علیه و آله در اوج تنهایی^{۷۵} با شجاعت به مبارزه با ارکان کفر پرداخت.^{۷۶} اگر به فقر و تنهایی آن حضرت و به ضعف دوستان و قدرت دشمنان ایشان توجه شود، بزرگی کار آن حضرت، نمایان می‌گردد. امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند پیامبر را مکلف کرده بود که اگر گروهی را برای همراهی در جنگ با دشمنان خدا پیدا نکرد، به تنهایی با همه دشمنان وارد جنگ شود. او هیچ‌کس را پیش و پس از پیامبر به چنین کاری مکلف نکرد.^{۷۷}

هرچه آمادگی انسان بیشتر باشد، لطف خدا بیشتر و تکالیف، دشوارتر می‌شود. برخورد به مانع، در طبیعت حرکت، نهفته است. کسی که نمی‌خواهد به مانع برخورد کند، نباید حرکت کند. اگر ارتباط مصلح با خدا ضعیف باشد، با برخورد به اولین مانع از پای درآمده و از درون متلاشی می‌شود. رسول خدا

۷۳. ن. کذ تخريج الاحادیث و الآثار، ج ۱، ص ۲۱۳.

۷۴. ن. کذ عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۲۷.

۷۵. ن. کذ المحاسن، ج ۱، ص ۱۵۹.

۷۶. ن. کذ السیرة النبویة، ج ۱، ص ۲۰۴ - ۴۲۷.

۷۷. الکافی، ج ۱۵، ص ۶۲۶.

صَلَّى اللّٰهَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي طَوْلِ زَنْدَاقِي بِأَمْوَاعِ زَيْدِي بِرُخُورِ كَرَدَنْدِ أَمَّا هَيْجِ بَيْكِ مِنْ أَيْنِ مَوَانِعِ، رُوحِ بَلَنْدِ
إِيْشَانِ رَا خَسْتَه نَكْرَدِ وَ أُنْ حَضْرَتِ رَا وَادَارِ بَه تَوْفَقِ نَمُودِ. يَعْقُوبِي مِي گُويَد:

قَرِيْشِ، تَصْمِيْمِ بَه قَتْلِ رَسُوْلِ خُدا گِرَفْتِ؛ أَمَّا زَمَانِي كِه دِيْدَنْدِ تَوَانِ چِنِيْنِ
كَارِي رَا نِدَارْدِ، قَرَارْدَادِي نُوْشْتَنْدِ مَبْنِي بَرِ اَيْنِ كِه كَسِي حَقِي خَرِيْدِ، فَرُوْشِ،
ازدواج و معامله با بنی هاشم ندارد مگر این که محمّد را به آن‌ها تحویل
دهد. سپس رسول خدا و اطرافیان‌ش را در شعب بنی هاشم محاصره کردند
و سه سال تحت فشار شدید قرار دادند؛ اما نتوانستند آن‌ها را تسلیم کنند.
در این ایام رسول خدا، ابوطالب و خدیجه، هرچه داشتند انفاق کردند به
گونه‌ای که هیچ چیز برای آن‌ها باقی نماند و خود به حد فقر رسیدند.^{۷۸}

منشأ حرکت و ایستایی بسیاری از انسان‌ها عوامل بیرونی است. حرکت و سکون مصلح، باید تحت
تأثیر عوامل درونی باشد. عبادت، با تطهیر درون، سبب رهایی از قیود مادی و معنوی شده و اثرپذیری
مصلح را از بیرون، کاهش می‌دهد. رسول خدا صَلَّى اللّٰهَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِرَى اِهْدَافِ خُداوندِ در طول
ده سال، هفتاد و چهار بار با شجاعت به مبارزه با دشمنان خدا پرداخت.^{۷۹} گفتار و رفتار ایشان دلالت بر
اوج آمادگی و همت برای اصلاح جامعه دارد. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

جُمِعَ لَهُ الْحَذَرُ فِي أَرْبَعٍ؛ أَخَذَهُ بِالْحَسَنِ لِيُقْتَدَى بِهِ وَ تَرَكَهُ الْقَبِيْحَ
لِيُنْتَهَى عَنْهُ وَ اجْتِهَادِهِ الرَّأْيَ فِي صَلَاحِ أُمَّتِهِ وَ الْقِيَامِ فِيمَا جُمِعَ لَهُمْ
مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.^{۸۰}

رسول خدا در چهار مورد با دقت و احتیاط رفتار می‌کردند؛ انجام کارهای
نیک تا دیگران به ایشان تأسی کنند؛ ترك کارهای زشت تا دیگران نیز
ترك کنند؛ تلاش در اصلاح امت خویش و اقدام به اموری که در بردارنده
خیر دنیا و آخرت آنها باشد.

۷۸. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۱.

۷۹. ن. ک: المغازی، ج ۱، ص ۷.

۸۰. معانی الاخبار، ص ۸۳.

مصلح، در جریان اصلاح، بر سر دو یا چند راهی‌های زیادی قرار می‌گیرد که در یک طرف، منافع خود و در طرف دیگر منافع جامعه را می‌بیند. اگر مصلح، در سایهٔ بندگی، اصلاح نشده باشد برای رسیدن به منافع خود، جامعه را تباه می‌کند.

نتیجه

خداوند انسان را برای بندگی آفریده و راه رسیدن به خود را برای او گشوده است. عبادت، تنها راه رسیدن به خداوند و کامل شدن است. انسان برای عبادت باید معبود را بشناسد. خودشناسی و امام‌شناسی از لوازم شناخت خداوند است. هرچه شناخت عابد از معبود بیشتر باشد، عبادت، آسان‌تر و اثربخش‌تر است. عابد با یافتن مسیر بندگی، پیدا کردن نقطهٔ آغاز، برنامه‌ریزی برای حرکت در مسیر اراده خداوند و پایداری در بندگی، به بالاترین درجات دست می‌یابد. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز اینگونه بودند. عبادت، وابستگی انسان به غیر خدا را از بین می‌برد، قلب انسان را از غیر خدا تطهیر نموده و او را به خداوند نزدیک می‌نماید. با نزدیک شدن به خدا دریافت‌ها و توانمندی‌های انسان، افزایش یافته، به اوج شکوفایی می‌رسد. رسول اعظم، با نزدیک شدن به خداوند، بالاترین مرتبه از شکوفایی در همهٔ ابعاد وجودی را دریافتند. کسی که خود را اصلاح نکرده، توان اصلاح جامعه را ندارد. راهی جز بندگی برای اصلاح نفس وجود ندارد. عبادت، انسان را اصلاح کرده و آمادهٔ اصلاح جامعه می‌کند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، از تمام توان، برای گسترش بندگی و اصلاح جامعه استفاده کردند و با رفتار و گفتارشان، راه بندگی را به بندگان آموختند.

پیشنهاد‌های پژوهشی

۱. شیوهٔ بندگی و عوامل گرایش به آن با نگاهی به سیره و سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله.
۲. موانع بندگی و عوامل گریز از آن با نگاهی به زمان و سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. الاصول الستة عشر، جمعی از اصحاب و محدثان، تحقیق دار الحدیث، قم، دار الحدیث، اول؛ ۱۴۲۳ق.
۳. أعلام الدین فی صفات المؤمنین، حسن بن محمد دیلمی، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، اول، ۱۴۰۸ق.
۴. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، قم، دار الکتب الاسلامیه، دوم، ۱۳۷۱ق.
۵. الامالی، شیخ صدوق (محمد بن علی بن ابن بابویه)، تهران، کتابچی، ششم، ۱۳۷۶ش.
۶. الامالی، شیخ طوسی (محمد بن حسن) تحقیق مؤسسه بعثت، قم، دار الثقافة، اول، ۱۴۱۴ق.
۷. الامالی، شیخ مفید (محمد بن محمد بن نعمان)، قم، کنگره شیخ مفید، اول؛ ۱۴۱۳ق.
۸. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، محمد بن حسن صفار، تحقیق محسن کوجه باغی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، دوم، ۱۴۰۴ق.
۹. تاج العروس من جواهر القاموس، سید محمد مرتضی حسینی زبیدی، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، اول، ۱۴۱۴ق.
۱۰. تاریخ الاسلام، شمس الدین محمد بن احمد ذهبی، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دار الکتب العربی، دوم، ۱۴۱۳ق.
۱۱. تاریخ الطبری (تاریخ الامم و الملوک)، ابو جعفر محمد بن جریر طبری، بیروت، دار التراث، دوم، ۱۳۸۷ق.
۱۲. تاریخ الیعقوبی، احمد بن ابی یعقوب یعقوبی، بیروت، دار صادر.
۱۳. تحف العقول، حسن بن علی ابن شعبه حرّانی، قم، جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۰۴ق.
۱۴. تخریج الاحادیث و الآثار، زیعلی، تحقیق عبد الله بن عبد الرحمن، ریاض، دار ابن خزیمه، اول، ۱۴۱۴ق.
۱۵. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تهران، المطبعة العلمیة، اول، ۱۳۸۰ق.
۱۶. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، قم، دار الکتب، سوم، ۱۴۰۴ق.
۱۷. التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام، اول، ۱۴۰۹ق.
۱۸. تفسیر فرات الکوفی؛ فرات بن ابراهیم کوفی، تصحیح محمد کاظم، تهران، وزارت ارشاد، اول، ۱۴۱۰ق.
۱۹. التمخیص، محمد بن بن همّام اسکافی، تحقیق مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام، اول، ۱۴۰۴ق.
۲۰. التوحید، شیخ صدوق (محمد بن علی ابن بابویه)، تحقیق هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسین، اول، ۱۳۹۸ق.
۲۱. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی (محمد بن حسن)، تحقیق حسن موسوی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.

۲۲. جامع الاخبار، محمد بن محمد شعیری، نجف، المطبعة الحیدریه، اول.
۲۳. الجعفریات (الاشعنیات)، محمد بن محمد ابن اشعث، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، اول.
۲۴. الجواهر السنّیة فی الاحادیث القدسیّه، شیخ حرّ عاملی (محمد بن حسن) ترجمه زین العابدین کاظمی خلخالی، تهران، دهقان، سوم، ۱۳۸۰ ش.
۲۵. روضة الواعظین، محمد بن احمد فتال نیشابوری، قم، رضی، اول، ۱۳۷۵ ش.
۲۶. السیره النبویّه، ابن هشام حمیری، بیروت، دار المعرفه.
۲۷. شرح اصول الکافی، ملّا صدرا (محمد بن ابراهیم صدر الدّین شیرازی)، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگي، اول، ۱۳۸۳ ش.
۲۸. الصحاح، اسماعیل بن حماد جوهری، تحقیق احمد عبد الغفور عطّار، بیروت، دار العلم للملایین، اول، ۱۴۱۰ ق.
۲۹. صحیفة الامام الرضا علیه السلام، مشهد، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، اول، ۱۴۰۶ ق.
۳۰. الطبقات الکبری، محمد بن سعد، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیّه، اول، ۱۴۱۰ ق.
۳۱. علل الشرائع، شیخ صدوق (محمد بن علی ابن بابویه)، قم، داوری، اول، ۱۳۸۵ ش.
۳۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق (محمد بن علی ابن بابویه)، تهران، جهان، اول، ۱۳۷۸ ق.
۳۳. عیون الحکم و المواعظ، علی بن محمد لیثی واسطی، قم، دار الحدیث، اول، ۱۳۷۶ ش.
۳۴. غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، قم، دار الکتب الاسلامی، دوم، ۱۴۱۰ ق.
۳۵. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، قم، دار الحدیث، اول، ۱۴۲۹ ق.
۳۶. العین، خلیل بن احمد فراهیدی، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم، هجرت، دوم، ۱۴۱۰ ق.
۳۷. کتاب سلیم بن قیس الهمالی، سلیم بن قیس هلالی، تحقیق محمد انصاری زنجانی، قم، الهادی، اول، ۱۴۰۵ ق.
۳۸. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، تحقیق احمد فارس، بیروت، دار الفکر، سوم، ۱۴۱۴ ق.
۳۹. المجازات النبویّه، محمد بن حسین شریف رضی، قم، دار الحدیث، اول، ۱۴۲۲ ق.
۴۰. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، تحقیق جلال الدین محدث ارموی، قم، دار الکتب الاسلامیّه، دوم، ۱۳۷۱ ق.
۴۱. مشارق انوار الیقین فی اسرار امیر المؤمنین علیه السلام، حافظ رجب بن محمد برسی، بیروت، اعلمی، اول، ۱۴۲۲ ق.
۴۲. مصباح الشریعه، بیروت، اعلمی، اول، ۱۴۰۰ ق.

۴۳. المصباح المنیر، احمد بن محمد فیومی، قم، دار الرضی، اول.
۴۴. معانی الاخبار، شیخ صدوق (محمد بن علی ابن بابویه)، قم، جامعہ مدرسین، اول، ۱۴۰۳ق.
۴۵. معجم مقاییس اللغه، احمد بن فارس، تحقیق عبد السلام محمد هارون، قم، بوستان کتاب، اول، ۱۴۰۴ق.
۴۶. المغازی، محمد بن عمر واقدی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، اعلمی، سوم، ۱۴۰۹ق.
۴۷. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، قم، شریف رضی، چهارم، ۱۴۱۲ق.
۴۸. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق (محمد بن علی ابن بابویه)، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعہ مدرسین، دوم، ۱۴۱۳ق.
۴۹. نهج البلاغه، محمد بن حسین شریف رضی، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت، اول، ۱۴۱۴ق.
۵۰. الوافی، فیض کاشانی، اصفهان، کتابخانه امیر المؤمنین علیه السلام، اول، ۱۴۰۶ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی